

دکتر کریگ کینر، متیو، سخنرانی ۶

متی ۳-۴

کریگ کینر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر کریگ کینر هستم و در حال تدریس در مورد کتاب متی. این جلسه ششم در مورد متی ۳-۴ است.

ما در مورد سبک زندگی یحیی تعمید دهنده، الگویی که او برای ما دارد، و همچنین پیام یحیی تعمید دهنده صحبت کرده‌ایم.

اما اکنون یحیی با عیسی، آن آینده‌ای که راهش را اعلام کرده بود، ملاقات می‌کند. ما به غسل تعمید پسر خدا در متی فصل سوم، آیات ۱۳ تا ۱۷ نگاه می‌کنیم. این چیزی است که در واقع محققان معمولاً آن را با معیار خجالت مطابقت می‌دهند، زیرا چیزی نیست که کسی بخواهد بر آن تأکید کند که عیسی توسط یحیی تعمید دهنده غسل تعمید داده شده است.

اما در وجه وصفی شنیده می‌شود، که تمرین بلاغی برای عجله کردن در مورد چیزی بود که کسی نمی‌خواست بر آن تأکید کند. اما به سکوت یحیی نگاه کنید. یحیی می‌گوید من لایق تعمید دادن تو نیستم.

من باید توسط تو غسل تعمید بگیرم. البته، این به این دلیل است که او همین الان اعلام کرد که آن کسی که می‌آید، در روح القدس و در آتش تعمید خواهد داد. بنابراین او تعمید در روح القدس را از عیسی می‌خواهد.

او می‌گوید، من لایق نیستم. تعمید آب من در مقایسه با تعمید شما در روح القدس هیچ است. در این متن تأیید عیسی توسط خدا را می‌بینیم.

بخش بهشت، شما زبانی شبیه به آن را در تنوفانی‌های عهد عتیق، مکاشفات عهد عتیق، حزقیال ۱، زمانی که خدا خود را در کنار رودخانه کیبار به حزقیال آشکار می‌کند، یا اشعیا ۶۴ دارید. همچنین، در این متن، روح مانند کبوتری بر عیسی نازل می‌شود. و من در چند لحظه آینده بیشتر در مورد آن صحبت خواهم کرد.

«اما اجازه دهید ابتدا در مورد صدای آسمانی صحبت کنم، چیزی که بعدها خاخام‌ها آن را «بت قول نامیدند. مثل صدایی از آسمان است. گاهی اوقات در عهد عتیق با آن مواجه می‌شوید، صدایی الهی از آسمان.

برای مثال، در پیدایش ۲۲، وقتی فرشته خداوند از آسمان سخن می‌گوید و می‌گوید، اسحاق را نکشید و غیره، این صدای آسمانی را به عنوان سومین گواهی الهی در این متن دارید. کتاب مقدس گواهی الهی است.

اشعیا ۴۰ و آیه ۳، صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه خداوند را آماده کنید. همچنین، نبوت، زیرا یحیی تعمید دهنده پیامبری است که کلام خداوند را بیان می‌کند. و سپس صدای آسمانی را به عنوان سومین گواهی بر عیسی در این متن دارید.

حالا، پیشینه کبوتر چیست؟ برخی از افرادی که به دنبال پیشینه هستند، توجه دارند که در ادبیات یهودی اسرائیل گاهی با کبوتر مقایسه می‌شد، اما این در اینجا خیلی مفید نیست زیرا بدیهی است که اسرائیل بر عیسی نازل نمی‌شود. برخی از متون در ادبیات خاخامی از روح القدس به عنوان کبوتر صحبت می‌کنند. این در اینجا بسیار عالی خواهد بود، اما این بسیار نادر است.

بنابراین، واضح‌ترین پیشینه برای بیشترین تعداد مخاطبان متی در دوران باستان، احتمالاً کبوتری بوده است که در فصل ۸ سفر پیدایش، پس از طوفان نوح، وجود دارد، جایی که کبوتر به نوعی نماد احیا، نماد خلقت جدید یا بازآفرینی است. و این می‌تواند چیزی باشد که در آن روح، آورنده عصر جدید، دوران جدید است و بنابراین به شکل کبوتر ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، اگر قرار است چیزی پرواز کند، باید چیزی اینجا باشد و یک کبوتر بهتر از یک مورچه یا خفاش یا چیزی شبیه به آن عمل می‌کند.

بنابراین، در هر صورت، گاهی اوقات یک صدای خفاش یا یک صدای آسمانی، به گفته خاخام‌ها، این صدا طنین‌انداز کتاب مقدس می‌شود. و در این مورد، ممکن است طنین‌انداز چند آیه از کتاب مقدس باشد. ممکن است طنین‌انداز مزمور ۲ و آیه ۷ باشد، جایی که خداوند در مورد نسل موعود داوود می‌گوید، او می‌گوید، این پسر من است.

و بسیاری از محققان این را در آنجا می‌بینند. همچنین، بسیاری از محققان پژواکی از پیدایش ۲۲ را می‌بینند جایی که خدا ابراهیم را به قربانی کردن پسر محبوبش فرا می‌خواند. و در مرقس، که ممکن است پس‌زمینه باشد، عبارت‌بندی بین ترجمه یونانی پیدایش و آنچه در مرقس داریم بسیار مشابه است.

با این حال، در متی، ممکن است اشاره‌ای به پیدایش ۲۲ نباشد، زیرا متی بعداً اشعیا ۴۲:۱ را که در مورد بنده من، محبوب من که روح خود را بر او می‌نهم صحبت می‌کند، به طور دیگری تفسیر می‌کند. متی این را در متی ۱۲:۱۸ به گونه‌ای تفسیر می‌کند که بسیار شبیه به صدای آسمانی در اینجا است. بنابراین، ممکن است در اینجا ترکیبی از مزمور ۲، اعلام پادشاه آینده و بنده اشعیا که رنج خواهد کشید، باشد.

در هر صورت، آنچه که ما احتمالاً هم در متی و هم در مرقس داریم، یک اشاره است، شاید یک اشاره ظریف، شاید فقط هسته اصلی مخاطبان متی آن را درک کنند، اما اشاره‌ای به نقش دوگانه عیسی، نقش مسیحایی مورد انتظار یک پادشاه، و همچنین نقش یک بنده رنج‌کشیده. عیسی آورنده پادشاهی مسح شده توسط روح است. شما این متون را در مرقس که کوتاه‌تر است، به هم نزدیک‌تر می‌بینید، اما آنها را اینجا در انجیل متی نیز دارید، این متون در مورد روح بسیار به هم نزدیک هستند.

یحیی تعمید دهنده در متی ۳:۱۱ اعلام می‌کند که عیسی تعمید دهنده در روح است. خب، در ۳:۱۶، روح القدس در هنگام تعمید عیسی بر او نازل می‌شود. بنابراین، عیسی الگویی برای زندگی تعمید یافته در روح القدس خواهد شد. خب، آیا زندگی تعمید یافته در روح القدس صرفاً الگویی از موفقیت و شادی است و همه چیز به خوبی پیش می‌رود؟ این خیلی عالی خواهد بود.

اما بلافاصله پس از این، دفعه بعدی که درباره روح القدس می‌شنویم، منظور از روح القدس در متی ۴:۱ آمده است، جایی که روح القدس عیسی را به بیابان هدایت می‌کند تا با سختی‌ها روبرو شود. و این برای ما نیز الگویی است. اما اگر از راه‌های روح القدس پیروی کنیم، گاهی اوقات روح القدس ما را به دردهایی می‌اندازد که لزوماً از آنها خوشحال نیستیم، اما خدا در آن موقعیت‌ها کار می‌کند.

با مراجعه به متی فصل ۴، عیسی از آزمون سربلند بیرون می‌آید. در آیه ۳:۱۷، آخرین آیه از متی فصل ۳، خدا علناً عیسی را پسر خود اعلام می‌کند. بنابراین اکنون شیطان به این موضوع واکنش نشان می‌دهد، زیرا عیسی در بیابان است.

شیطان به چالش می‌کشد، خب، چون تو پسر خدایی، آن را ثابت کن، نشان بده. می‌توانی به یاد بیاوری که ما در فصل ۳ پیدایش چه می‌کند. آیا خدا واقعاً گفته است؟ و همچنین در فصل ۲۷، آیات ۴۰ تا ۴۳، افرادی هستند که چیزهایی شبیه به این را به عیسی می‌گویند. خب، اگر واقعاً پسر خدایی، این کار را بکن.

در واقع، در متی فصل ۲۷، آنها یک اثر جعلی یهودی به نام حکمت سلیمان در حکمت سلیمان ۲:۱۸ را تکرار می‌کنند، جایی که شریران به فرزند خدا، فرد صالح می‌گویند، اگر تو واقعاً فرزند خدا هستی، پس خدا این کار را برای تو انجام می‌دهد و خدا تو را نجات می‌دهد. اما این شریران هستند که این را می‌گویند. و این شریران هستند که در فصل ۲۷ این را می‌گویند.

این مظهر شرارت است که می‌گوید اینجاست، زیرا شیطان، عیسی را به عنوان پسر خدا به چالش می‌کشد. شیطان در پی بازتعریف دعوت عیسی به عنوان پسر خداست. خب، پدر اعلام می‌کند که عیسی پسر خداست.

این یک قانون قدرتمند است. شیطان برای تعریف معنای این فرزندخواندگی به مدل‌های دیگر قدرت متوسل می‌شود. جادوگران ممکن است یک ماده را به ماده دیگری تبدیل کنند.

تصور می‌شد که آنها می‌توانند چیزها را تغییر شکل دهند. و بنابراین، تبدیل سنگ به نان کاری بود که یک جادوگر یا ساحر می‌توانست انجام دهد. عیسی در جای دیگری غذا را تکثیر می‌کند، اما تسلیم دستکاری‌ها نمی‌شود زیرا به پدر آسمانی خود اعتماد دارد.

او می‌گوید، پدرت پیش از آنکه درخواست کنی، می‌داند چه نیاز داری. همچنین، رؤیایپردازان فریب‌خورده‌ای بودند که فکر می‌کردند می‌توانند دیوارهای اورشلیم را فرو بریزند یا رود اردن را بشکافند. و آنها قول دادند که این کارها را انجام دهند و شکست خوردند.

خب، شیطان می‌خواهد عیسی از بلندترین نقطه معبد بپرد و قدرتش را نشان دهد. عیسی از انجام این کار امتناع می‌کند. و عیسی، اوج این ماجرا در انجیل متی، از نقش یک انقلابی سیاسی یا یک حاکم سیاسی زمینی امتناع می‌کند.

شیطان می‌خواهد او مانند این افرادی باشد که سعی در رهبری شورش‌ها علیه روم دارند و سعی می‌کنند امپراتورهای جایگزین یا هر چیز دیگری باشند. و او می‌خواهد عیسی به او تعظیم کند و او را پرستد. او می‌گوید، شما به من تعظیم کنید و مرا پرستید.

من تمام پادشاهی‌های زمین را به تو می‌دهم. و عیسی می‌گوید، از من دور شو، شیطان. جالب اینجاست که این عبارت بعداً در انجیل متی در یک موقعیت بسیار مشابه دیگر تکرار می‌شود.

چون در این متن دیگر، پطرس می‌گوید، تو مسیح هستی. قرار نیست رنج بکشی. پطرس، درست مثل شیطان در اینجا، از پادشاهی بدون صلیب صحبت می‌کند، از جلال بدون رنج می‌گوید.

و عیسی به او می‌گوید، از من دور شو، شیطان، زیرا پطرس در آنجا از سخنگوی شیطان صحبت می‌کند. باز هم، همانطور که افرادی که عیسی را در متی ۲۷ مسخره می‌کنند، می‌گویند: اگر واقعاً پسر خدایی، از صلیب پایین بیا، آنها نیز شیطان را تکرار می‌کنند. ۴۰ روز عیسی در بیابان مانند اسرائیل است که ۴۰ سال در بیابان آزمایش شد.

می‌توانید شباهت‌ها با اسرائیل را که در فصل دوم در موردشان صحبت کردیم به خاطر بیاورید. همچنین می‌توانید به کلمه رهبری شده توجه کنید. متی و لوقا هم همین را دارند.

در واقع، مرقس از این نظر که می‌گوید او، روح، عیسی را به بیابان بیرون راند، بسیار دراماتیک‌تر است. همین کلمه برای بیرون راندن دیوها نیز استفاده می‌شود. این یک اصطلاح بسیار قوی است.

روح به نوعی او را بیرون راند. اما در اینجا کلمه هدایت شده است. این همان اصطلاحی است که اغلب برای هدایت اسرائیل توسط خدا در بیابان استفاده می‌شود.

و سپس عیسی سه آیه از تثنیه را نقل می‌کند. روزه گرفتن به مدت ۴۰ روز، موسی را در خروج ۲۴ و غیره به یاد می‌آورد. همچنین الیاس را که ۴۰ روز روزه گرفت، به یاد می‌آورد، اما الیاس نیز از الگوی موسی پیروی می‌کرد.

اول پادشاهان ۱۹. عیسی در اینجا الگویی برای ما ارائه می‌دهد. این الگویی از فداکاری است، رفتن به بیابان، درست مانند یوحنا.

او همچنین الگویی برای امتناع از سوءاستفاده از قدرت برای اهداف شخصی است. ما همچنین چیز دیگری را در اینجا می‌بینیم. عیسی با آنچه در مورد سایر افراد در کتاب مقدس می‌بینیم، مطابقت دارد.

او با این الگو مطابقت دارد، درست همانطور که صلیب او قبل از تعالی‌اش با این الگو مطابقت دارد. اکثر بندگان خدا در کتاب مقدس قبل و اغلب در طول خدمتشان مورد آزمایش قرار گرفتند. به ابراهیم و سارا فکر کنید، و اینکه چقدر مجبور بودند برای بچه‌دار شدن منتظر بمانند.

به یوسف فکر کنید. او این خواب را دید که برادرانش در مقابل او تعظیم می‌کنند. در نهایت او به عنوان برده فروخته شد.

پس از بردگی، او به زندان می‌افتد. و سرانجام در یک روز، به مقام وزیر مصر ارتقا می‌یابد و سرانجام برادرانش، می‌آیند و در برابر او تعظیم می‌کنند. پیش از آنکه بتواند رسالت خود را به عنوان نجات‌دهنده خانواده‌اش و همچنین مصر و بسیاری از مردمان اطراف، به انجام برساند، پیش از آنکه بتواند این کار را انجام دهد، از آزمایش‌هایی عبور کرد.

همین امر در مورد موسی نیز صادق است، ۴۰ سال در بیابان. همین امر در مورد داوود نیز صادق است. او، در فصل ۱۶ کتاب اول سموئیل به عنوان پادشاه مسح می‌شود، اما قبل از اینکه سرانجام پادشاه شود، توسط شائول مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد.

وقتی عمیق‌ترین آزمایش زندگی مسیحی‌ام تا آن زمان را پشت سر گذاشتم، منظورم این است که هیچ چیز بدتر از قبل از مسیحی بودنم نبود، یعنی مؤمن نبودن. منظورم این است که وقتی مؤمن بودم، هیچ چیز با آن قابل مقایسه نبود. من زندگی ابدی داشتم، اما بدترین آزمایشی که از سر گذراندم، طوری به نظر می‌رسید که انگار خدمتم نابود شده بود، انگار همه چیزم به خاطر اتهامات دروغین، به خاطر رفتار شخص دیگری از من گرفته شده بود.

و خدا به من گفت که باید آن شخص را ببخشم. من درست در میانه‌ی این ماجرا بودم. از درد بی‌حس شده بودم و نمی‌توانستم آن را درک کنم، اما احساس کردم که خدا مرا به این افراد در کتاب مقدس هدایت کرده است.

او گفت، الیاس شخصی با احساساتی مانند تو بود. وقتی روی درخت عرعر زانو زد و گفت، خدایا، بگذار من بمیرم و آنها از اجداد من بهتر باشند. داوود مردی درست مثل تو بود.

وقتی شائول او را آزار می‌داد و داوود تقریباً عصبانی شد و نزدیک بود که وارد شود و نابال را بکشد. و ارمیا مانند شما بود. وقتی گفت، نفرین باد روزی که من به دنیا آمدم.

و احساس کردم چیزی که خدا به من گفت این بود، فرزندم، تو مرد خدایی، نه به خاطر اینکه از چه چیزی ساخته شده‌ای، چون تو هم مثل بقیه‌ی کسانی که من خلق کرده‌ام از خاک و خاکستر ساخته شده‌ای. تو مرد خدایی چون من تو را خواندم و لطف من برای تو کافی است. و در دو سال بعد، همچنان که آن آزمایش ادامه داشت، فهمیدم که چقدر ضعیف هستم، اما خدا در آن دو سال مرا حفظ کرد.

و در پایان آن دو سال، فهمیدم که من مرد خدا هستم، نه به این دلیل که از چیزی متفاوت از دیگران ساخته شده‌ام. شما مرد یا زن خدا هستید، نه به این دلیل که از چیزی فوق‌العاده دیدنی ساخته شده‌اید. ما مجبور نیستیم وانمود کنیم که چیزی هستیم که نیستیم.

ما مردان و زنان خدا هستیم به خاطر لطف خدا، به خاطر اینکه خدا ما را فرا می‌خواند، به خاطر اینکه خدا از ما استفاده می‌کند، به خاطر اینکه خدا به ما اهمیت می‌دهد. و در نهایت، خدا به خاطر کاری که در زندگی ما انجام داده تا ما را به افرادی تبدیل کند که بتواند از آنها استفاده کند، مورد تقدیر قرار می‌گیرد. بنابراین می‌بینیم که عیسی نیز این را الگو قرار می‌دهد.

عیسی یکی از ما شد و مانند ما از بوته آزمایش‌ها گذشت. ما همچنین قدرت کتاب مقدس را می‌بینیم. عیسی به سادگی به دستورات خدا استناد می‌کند و بدون هیچ سوالی از کلام خدا اطاعت می‌کند.

کتاب مقدس این را حل و فصل می‌کند. همین. شیطان هم از کتاب مقدس نقل قول می‌کند.

در فصل چهارم انجیل متی، او از کتاب مقدس برای عیسی نقل قول می‌کند، اما آن را خارج از متن نقل می‌کند. عیسی از طریق قیاسی که در واقع با نکته‌ی زمینه‌ای متونی که او نقل می‌کند، مطابقت دارد، این را به کار می‌برد. نباید ما را متعجب کند که شیطان از کتاب مقدس خارج از متن نقل قول می‌کند، زیرا او هنوز هم این کار را در زندگی بسیاری از مردم انجام می‌دهد.

اما عیسی سه نقل قول از تثنیه می‌آورد. در طومارهای دریای مرده، اگر به ما ایده‌ای از محبوب‌ترین بخش‌های کتاب مقدس در زمان عیسی بدهند، طومارهای دریای مرده بیشترین نقل قول را از تثنیه، دومین نقل قول را از اشعیا و سومین نقل قول را از مزامیر دارند. اما عیسی از تثنیه نقل قول می‌کند.

او از فرامینی که خداوند در بیابان به اسرائیل داد، نقل قول می‌کند، فرامینی که اسرائیل در طول آزمایش خود بارها از آنها پیروی نکرد. اما عیسی از این آزمایش سریلند بیرون آمد. اولین متنی که عیسی هنگام درخواست شیطان برای تبدیل سنگ به نان نقل می‌کند، از تثنیه، فصل هشتم و آیه سوم است.

و زمینه آن، تدارک وفادارانه خدا برای پسرش، اسرائیل، در فصل هشتم و آیه پنجم است، جایی که می‌گوید اسرائیل مانند پسر من است و من آنها را در طول آزمایششان در بیابان تغذیه کردم. تثنیه هشتم و آیه دوم. بنابراین، عیسی زمینه را می‌داند.

او پسر خداست که در بیابان آزمایش می‌شود. کتاب مقدس به او می‌گوید که پسر خدا به طور ایده‌آل چگونه باید زندگی کند. او به تدبیر پدرش برای خود اعتماد دارد.

انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر می‌شود، زنده است. خب، شیطان آیات ۱۱ و ۱۲ مزمور ۹۱ را برای او نقل می‌کند، اما شیطان آن را گزینشی نقل می‌کند. مضمون آیات ۳ تا ۱۰ در مورد ایجاد خطر برای خود، مانند پریدن از بالای یک معبد، نیست.

آنها در مورد محافظت در برابر خطرات خارجی صحبت می‌کنند. نمی‌گویند، باشه، شما این کار را انجام دهید و خدا از شما محافظت خواهد کرد، بلکه می‌گویند وقتی در موقعیتی هستید، می‌توانید به محافظت خدا اعتماد کنید. خاخام‌ها، وقتی وارد بحث‌های مربوط به کتاب مقدس می‌شدند، و عیسی این کار را با برخی از معلمان معاصر خود انجام می‌داد، اما خاخام‌ها، وقتی کسی متنی را نقل می‌کرد، اغلب یک متن مخالف را نقل می‌کردند و می‌گفتند، نه، شما نمی‌توانید آن را درست تفسیر کنید زیرا این متن این را می‌گوید.

و عیسی آنچه شیطان پیشنهاد می‌کند را رد می‌کند. او می‌گوید خدا را آزمایش نکنید. تثنیه ۶:۱۶. حالا توجه کنید که او از کجا نقل قول می‌کند.

او همین الان از تثنیه ۸ نقل قول کرد. حالا او از تثنیه ۶ نقل قول می‌کند، نه خیلی دور. او در چارچوب آنچه خدا از فرزندش انتظار دارد، مسیری که اسرائیل باید می‌بود، و مطمئناً مسیری که عیسی، به عنوان پسر نهایی خدا، باید باشد، ادامه می‌دهد. قرار دادن خدا در آزمون زمینه به شکایت اسرائیل در بیابان اشاره دارد. که خدا به اندازه کافی به آنها عنایت نمی‌کرد.

عیسی این کار را نخواهد کرد. او به پدر آسمانی خود متکی است. متی ۹:۴-۱۰. خب، مدعیان مسیحایی زیادی بودند که به دنبال پادشاهی‌های سیاسی بودند.

بسیاری انتظار داشتند که پادشاهی خدا از طریق پیروزی نظامی بر روم برقرار شود. این موضوع را در طومار جنگ قومران می‌بینید. برخی به دنبال انجام نشانه‌هایی برای تأیید مأموریت خود بودند و همانطور که قبلاً اشاره کردم، شکست خوردند.

اما عیسی از تثنیه ۶:۱۳ نقل قول می‌کند، تنها چند آیه دورتر از آیه‌ای که نقل کرده است. بنابراین، با توجه به همان زمینه، زمینه اینجا مستلزم دوست داشتن خدای یگانه حقیقی و در نتیجه رد کردن تمام خدایان دیگر است. خب، اگر شیطان می‌گوید، سجده کنید و مرا پرستش کنید، او خود را به عنوان خدای دیگری معرفی می‌کند.

عیسی از انجام این کار امتناع می‌کند. از همان متنی که او استفاده کرده است، از کتاب مقدس نقل قول کنید. ما همچنین در این متن پیروزی کسانی را می‌بینیم که استقامت می‌کنند.

در این زندگی همیشه برای ما پیش نمی‌آید، اما همیشه پیش می‌آید. خدا همیشه وفادار است. و در این دوره آزمایش، به آیه ۱۱، پایان آزمایش، می‌رسیم و عیسی می‌گوید، پیروز شوید.

او می‌گوید، برو ای شیطان، و شیطان می‌رود. به یاد داشته باشید که عیسی در فصل ۴، آیات ۶ و ۷ از جستجوی فرشتگان خودداری کرد. او از تکیه بر فرشتگان برای گرفتنش در صورت پریدن خودداری کرد. اما اکنون فرشتگان می‌آیند و به او خدمت می‌کنند.

این همان چیزی است که در جتسیمانی می‌بینید، جایی که او گفت، نه، اگر از پدر می‌خواستم از من دفاع کند، دوازده لشکر فرشته به من می‌داد. اما من تسلیم اراده پدر هستم. و اکنون فرشتگان می‌آیند و به عیسی خدمت می‌کنند.

گاهی اوقات ما در دعا برای هر چیزی که از خدا می‌خواهیم دعا می‌کنیم. و خدا ما را دوست دارد. خدا در نیازهای ما به دادمان می‌رسد.

اما دعا فقط برای گرفتن خواسته‌هایمان از خدا نیست. دعا یعنی تسلیم زندگی‌مان به خدا و دیدن اینکه خدا از ما چه می‌خواهد و خدا می‌خواهد چه کاری انجام دهد. این دنیایی که خدا به آن اهمیت می‌دهد، به همین دلیل است که عیسی گفت، اول پادشاهی را بجوید.

و به همین دلیل است که وقتی او یک دعای نمونه به ما می‌دهد، ابتدا پدر ماست، نام تو مقدس باد. و سپس به سراغ دعا‌های دیگر می‌رود، از جمله دعا: ما را به آزمایش هدایت نکن، همانطور که عیسی در اینجا تسلیم آزمایش نشد. سپس عیسی باید به شهر بزرگ نقل مکان کند.

با توجه به استانداردهای شهری، شهر بزرگی نیست، اما در مقایسه با ناصره شهر بزرگی بود. کفرناحوم شاید چند هزار نفر جمعیت داشت. گفته می‌شود که عیسی به جلیل، احتمالاً نزدیک پیریه، جایی که یحیی دستگیر شد، رفت.

هیچ کس ناصره را اختراع نمی‌کرد. واقعاً هیچ کس کفرناحوم را هم اختراع نمی‌کرد. این چیزی نبود که کسی خارج از جلیل در موردش صحبت کند، مخصوصاً وقتی عیسی می‌گوید، وای بر تو ای بیت صیدا، وای بر تو ای خورزین، وای بر تو ای کفرناحوم.

می‌دانید، خارج از جلیل، هیچ کس نام خورزین را نشنیده بود. بنابراین، این نوع چیزها به وضوح به اولین خاطرات جلیلی‌ها از عیسی برمی‌گردد. اینها خیلی واضح هستند، حتی کسی که چیزهای دیگر را زیر سوال می‌برد، باید این نوع چیزها را بپذیرد.

حالا این قبل از خدمت عمومی او اتفاق می‌افتد و شاید یک استراتژی ماموریتی باشد. ناصره پیام او را نپذیرفت، اما کفرناحوم در یک موقعیت استراتژیک قرار داشت. چند نفر بیشتر در آن ساکن بودند.

شاید هزار، شاید دو هزار، که اغلب گفته می‌شود حدود دو هزار نفر بودند، داشت. به بزرگی طبریه یا صفوریه نبود. این دو شهر بزرگ جلیل بودند، اما آنها نیز بسیار هلنی شده بودند.

عیسی با پیامی بسیار سنتی‌تر از یهودیت درباره پادشاهی الهی می‌آمد. پولس بعدها به مناطق هلنی‌شده رفت اما عیسی عمدتاً در مناطق آرامی‌زبان جلیل و غیره اقامت داشت. جاده‌های اطراف دریاچه جلیل و کفرناحوم مکان بسیار خوبی بودند زیرا مکانی بودند که بسیاری از چیزها در آن تلاقی می‌کردند.

بنابراین، او از آنجا به بسیاری از مناطق جلیل دسترسی داشت. او می‌توانست از آنجا پیاده به پیریا برود. او می‌توانست از آنجا پیاده به قلمرو هیرودیس فیلیپس برود.

همچنین، خدمت عیسی در آنجا، اگرچه بعداً می‌گوید، وای بر تو ای کفرناحوم، زیرا اگر معجزاتی که در تو اتفاق می‌افتد در سدوم نیز اتفاق می‌افتاد، آنها با خاک و خاکستر توبه می‌کردند. اما کفرناحوم، اگرچه همه توبه نکردند، اما بخش زیادی از کفرناحوم به عیسی ایمان آوردند. و ما بعداً این را می‌دانیم زیرا باستان‌شناسی به ما نشان می‌دهد که در زمان‌های بعدی یک جامعه مسیحی یهودی بسیار قوی در آنجا وجود داشته است.

همچنین، خاخام‌ها در آنجا یکی از پیروان عیسی را می‌شناختند که او را یعقوب کفرناحومی، یعقوب کفرناحومی می‌نامیدند، که به دعا برای بیماران معروف بود و آنها شفا می‌یافتند زیرا او پیرو عیسی، یسوعا

هانتری، بود. مخالفان متی و مخالفان پیروان عیسی، اصالت جلیلی او را مورد انتقاد قرار می‌دادند. و آنها اغلب از جلیلی‌ها به دلیل عدم وفاداری به تورات انتقاد می‌کردند، اما این فقط تعصب منطقه‌ای بود.

مثل این است که بعضی از مردم در بعضی از مناطق آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر به پایین نگاه می‌کنند، بعضی از مناطق در بعضی از مناطق دیگر به پایین نگاه می‌کنند. خب، جلیل مرز یهودیه محسوب می‌شد. [این منطقه] [به عنوان] منطقه‌ی پیشرفته‌ای در نظر گرفته نمی‌شد.

فریسیان اورشلیم، خاخام‌های یامنیا، آنها می‌توانستند در جلیل به دیده تحقیر بنگرند. جلیلی‌ها حتی در قرن دوم رهبری خاخام‌ها را نادیده می‌گرفتند، اما جلیلی‌ها در واقع تورات را حفظ می‌کردند. آنها شریعت را رعایت می‌کردند.

کاوش‌ها نشان می‌دهد که اکثر مردم جلیل در حفظ شریعت بسیار جدی بودند. یوسفوس از آنها می‌گوید که سه روز را پیاده طی می‌کردند تا به جشن‌های اورشلیم برسند. تمام اهالی شهر با هم پیاده به آنجا می‌رفتند.

سکونت عیسی در جلیل همچنین پیشگویی رسالت غیریهودیان است. به همین دلیل است که متی در اینجا از فصل نهم اشعیا در مورد جلیل غیریهودیان نقل قول می‌کند. والتر گروندمن می‌گوید، نه، جلیل به معنای غیریهودی بودن جلیل است، و بنابراین عیسی که در جلیل بزرگ شد نیز غیریهودی بود.

خب، والتر گروندمن برای این حرفش دلیلی داشت. والتر گروندمن یک متکلم نازی بود که برای نازی‌ها کار می‌کرد و آنها می‌خواستند از عیسی، یهودی‌زدایی کنند. آنها می‌خواستند عیسی یهودی نباشد.

اما از طریق باستان‌شناسی می‌دانیم که در این دوره، سکونتگاه‌های یهودی در سراسر جلیل وجود داشته است. مردم از یهودیه مهاجرت کرده بودند. آنها در جلیل ساکن شدند.

بنابراین، این به طور نمادین نمایانگر غیریهودیان است زیرا برخی جوامع غیریهودی نیز در جلیل وجود داشتند، اما نه مکان‌هایی که عیسی به آنجا می‌رفت. آنها یهودی بودند. متی فصل چهارم در آیه ۱۷ از پادشاهی آسمان صحبت می‌کند.

تعالیم عیسی به این شکل در مورد آمدن پادشاهی خدا خلاصه می‌شود. این موضوع در آموزه‌های عیسی در متی، مرقس و لوقا محوریت داشت. متی از آن به عنوان پادشاهی آسمان یاد می‌کند.

مرقس، اغلب با همان گفته‌ها، از آن به عنوان پادشاهی خدا یاد می‌کند. پادشاهی معمولاً به چه معناست؟ بستگی به زبانی دارد که از آن استفاده می‌کنید و دامنه معنایی اصطلاح چیست. در انگلیسی، گاهی اوقات ما به یک قوم یا یک مکان فکر می‌کنیم.

اما در یونانی و عبری، کلماتی که به انگلیسی به عنوان پادشاهی ترجمه می‌شوند، به طور خاص به سلطنت یا حکومت یا اقتدار اشاره دارند. یهودیان بدیهی است که معتقد بودند خدا در زمان حال سلطنت می‌کند. آنها می‌گفتند وقتی شما را می‌خوانند، یوغ پادشاهی را بر دوش خود می‌کشند.

آنها تشخیص می‌دهند که خدا پادشاه جهان است. شما اینجا جایی است که خداوند، خدای ماست. خداوند یکی است، و تشخیص می‌دهند که تنها خدا، خداست.

اما آنها آرزوی روزی را داشتند که خدا بدون هیچ چالشی سلطنت کند. و گاهی اوقات وقتی از پادشاهی صحبت می‌کردند، در واقع همان چیزی بود که درباره آن صحبت می‌کردند. از این رو، آنها دعایی به نام کادیش داشتند.

در نسخه اولیه آن، یعنی کدیش، بخشی از آن به این شکل بود: نام بزرگ و باشکوه تو مقدس باد. باشد که پادشاهی تو به سرعت و به زودی فرا رسد.

خب، این به جورایی شبیه دعای ربانی به نظر می‌رسد، درست؟ عیسی اینو تو دعای ربانی اقتباس می‌کنه. حالا عیسی، آگه اون رو اقتباس نکنه، داره اقتباس می‌کنه، تعدادی از دعاها یهودی وجود داشتن که زبان مشابهی داشتن. اما عیسی اینجا می‌گه، درست مثل یحیی تعمید دهنده، پادشاهی آسمان رو اعلام کن که ... نزدیکه

حالا، بین محققان بحثی وجود دارد. آیا این به معنای نزدیک شدن پادشاهی است، بنابراین تقریباً اینجا هستیم یا اینکه پادشاهی از راه رسیده است؟ تا حدودی، این یک مسئله معنایی است، زیرا در هر صورت قریب الوقوع بودن آن، مزاحم است. این امر الزامات خود را بر زندگی ما تحمیل می‌کند.

پادشاهی الهی در راه است. تقریباً اینجا است. ما باید برای آن آماده شویم.

و در شخص عیسی، این همان چیزی است که اوریگن در کلیسای اولیه آن را آتاباسیلا، پادشاهی در خود می‌نامید. در اینجا پادشاه بود، و در او، پادشاهی مطمئناً حضور داشت. خب، این پادشاهی، این خواست خدا، این سلطنت خدا، این حکومت خدا در متن زیر به تصویر کشیده شده است.

در فصل ۴ آیات ۱۸ تا ۲۲، عیسی شاگردان را فرا می‌خواند تا از او پیروی کنند. و در فصل ۴ آیات ۲۳ تا عیسی سلطنت خود را نشان می‌دهد. او اقتدار خود را بر بیماری نشان می‌دهد، ۲۵.

و سپس در فصل‌های ۵ تا ۷، پیامدهای اخلاقی پادشاهی عیسی را داریم. اگر پادشاهی در راه است، خب چگونه باید در پرتو آن پادشاهی آینده زندگی کنیم؟ اگر باید در پرتو پادشاهی آینده توبه کنیم، سبک زندگی توبه‌کارانه چگونه است؟ ثمره واقعی توبه‌ای که از ما خواسته شده چیست؟ این همان فصل‌های ۵ تا ۷ متی است. حال، مبادا فکر کنید که من فقط به فصل ۸ رفته‌ام. نه، من فقط به شما می‌گویم که چه چیزی در راه است. اما پادشاهی در خدمت عیسی هنوز فرا نرسیده است.

زیرا ما پیروان عیسی، همانطور که معاصران عیسی در یهودیه و جلیل تشخیص دادند، تصدیق می‌کنیم که پادشاه هنوز نیامده است. اما چیز دیگری را نیز تصدیق می‌کنیم. به عنوان پیروان عیسی، تصدیق می‌کنیم که پادشاهی که قرار است بیاید، آمده است.

و بنابراین، پادشاهی که هنوز نیامده است، تاریخ را درنور دیده است و سلطنت خدا از قبل به شکلی خاص در این جهان در حال انجام است. بنابراین، ما اغلب از دو مرحله یا دو فاز بودن پادشاهی صحبت می‌کنیم. در پادشاهی که هنوز نیامده است، مسیح دو بار می‌آید.

آنها انتظار آمدن پادشاه و آمدن پادشاهی را داشتند، آنها انتظار زنده شدن مردگان را داشتند. خب، اولین کسی که از مردگان برخاست، قبلاً زنده شده است. عیسی زنده شده است.

بنابراین، پادشاهی خدا از قبل در میان ما در حال کار است. و شما این طرز فکر را در سراسر عهد جدید دارید. نمی‌دانم چطور ممکن است آن را از دست بدهیم.

غلاطیان فصل ۱ و آیه ۴، عیسی ما را از این عصر شریر کنونی رهایی بخشیده است. رومیان فصل ۱۲ و آیه با عصر حاضر هم‌مشکل نشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. برخی از ترجمه‌ها به روشنی ۲، بیان نمی‌کنند که این در مورد عصر حاضر صحبت می‌کند، اما به زبان یونانی است.

همچنین در فصل ۶ کتاب عبرانیان آمده است که ما طعم قدرت‌های عصر آینده را چشیده‌ایم. افسسیان فصل ۱، دوم قرن‌تیان فصل‌های ۱ و ۵، از روح به معنای یونانی «آرهابون» صحبت می‌کنند. این یک اصطلاح یونانی بود که در اسناد تجاری برای پیش‌پرداخت استفاده می‌شد.

در واقع این یک کلمه قرضی از زبان عبری و همچنین در زبان‌های سامی است. ارهبون، اصطلاحی برای پیش‌پرداخت، قسط اول است. بنابراین، ما قبلاً آغاز مراسم تشریف، افتتاح میراث آینده خود را دریافت کرده‌ایم.

اوه، قراره باشکوه باشه. اما ما اولین بخش از اون رو داریم چون به ما روح داده شده. روح توی قلب‌های ما یعنی ما پیش‌درآمدی از دنیای آینده داریم.

به همین دلیل است که پولس در اول قرن‌تیان فصل ۲ آیات ۹ و ۱۰ می‌گوید، چیزهایی که چشم ندیده، گوش نشنیده و به قلب انسانی خطور نکرده، چیزهایی است که خدا برای دوستداران خود آماده کرده است. اما خدا آنها را به وسیله روح خود بر ما آشکار کرده است. اینها چیزهایی هستند که ما نمی‌توانیم در قالب کلمات بیان کنیم.

منظورم این است که کتاب مقدس آنها را اغلب با زبانی نمادین، زبانی از نوع آخرالزمانی تمثیلی، یا شاید زبانی شاعرانه توصیف می‌کند. اما در روح، ما در واقع پیش‌زمینه‌ای از آن میراث آینده را داریم. ما از پیش‌زمینه‌ای لذت می‌بریم از آنچه که قرار است برای همیشه و همیشه در حضور خدا باشد، لذت می‌بریم.

بنابراین، ما باید از تجربه روح خود لذت ببریم. رومیان ۸ نیز تشبیه مشابهی دارد. رومیان ۸ آیه ۲۳ در واقع از روح صحبت می‌کند.

ما اولین ثمرات تجربه خود را داریم. اوج پادشاهی، اگر به انجیل مرقس نگاه کنید، یوحنا و عیسی پادشاهی را اعلام می‌کنند و سپس به اوج خود می‌رسد، زبان پادشاهی و زبان پادشاه در فصل ۱۵، عیسی بر روی صلیب به اوج خود می‌رسد. مرقس می‌خواهد تأکید کند که پادشاهی از طریق صلیب می‌آید و بر آن نکته تمرکز می‌کند.

البته متی هم به این نکته اشاره دارد. اما در متی، اوج ماجرا در انتهای فصل ۲۸ رخ می‌دهد، زمانی که تمام قدرت در آسمان و زمین به عیسی داده می‌شود. عیسی پادشاه پادشاهی آسمان است.

حال، عیسی با فراخواندن شاگردان به پیروی از خود و تسلیم شدن در برابر اقتدارش، اقتدار خود را نشان می‌دهد و آنها را صیاد مردم می‌نامد. در مورد افرادی که ممکن است نسبت به برخی از مطالب انجیل‌ها شک داشته باشند، می‌توانیم به آنها بگوییم که ببینید، اکثر حکیمان، جستجوی شاگرد را تحقیرآمیز می‌دانستند. شما بیرون نمی‌رفتید و سعی نمی‌کردید شاگردانی را به دنبال خود بیاورید.

شما منتظر بودید تا شاگردان با جستجوی شما، به شما احترام بگذارند. و بنابراین، اکثر فرزنانگان این کار را نمی‌کنند، این نوع داستانی نیست که شما در مورد یک فرزانه بسازید. همچنین، ما از منابع دیگر در مطالب مشترک متی و لوقا می‌دانیم که عیسی شاگردان خود را در متی ۸:۱۹ تا ۲۲ و لوقا ۹:۵۷ تا ۶۲ فراخواند.

همچنین، ما می‌دانیم که عیسی شاگردانی داشت، ۱۲ نفر به خوبی تأیید شده‌اند. و می‌توانیم در مورد آن در مقطع بعدی دوره صحبت کنیم. اما معمولاً معلمان شاگردانی داشتند که کار خود را تبلیغ می‌کردند.

و بنابراین، اینکه عیسی شاگردانی داشته باشد، کاملاً درست است، همانطور که انتظار می‌رود. همچنین برخی از محققان خاطرنشان کرده‌اند که ساختار متی ۴:۱۹، جایی که او شاگردان را به پیروی از خود فرا می‌خواند، به طور قابل توجهی سامی است. اما شاید واضح‌ترین نکته در اینجا این باشد که هیچ دلیلی برای اختراع ماهیگیران وجود ندارد.

منظورم این است که ماهیگیران دهقان نبودند. شاید به همین دلیل است که از آنها و مأمور مالیات نام برده شده و از مشاغل دیگران نامی برده نشده است. شاید به اصطلاح، آنها به آن اندازه معتبر نبودند.

اما ماهیگیران آنقدرها هم معتبر نبودند. منظورم این است که اگر می‌خواستید برای عیسی چند پیرو درست کنید، باید کاتبان، فریسیان و حتی یک یا دو صدوقی درست می‌کردید. اما عیسی از ماهیگیران مردم ماهیگیران ماهی، می‌خواست که ماهیگیر مردم شوند و اغلب از پیشینه‌های ما الهام می‌گرفت.

ماهیگیران مردم جلیل به ماهی و غلات بسیار وابسته بودند. فروشندگان ماهی را خشک می‌کردند. فروشندگان ماهی را خشک یا نمک سود می‌کردند تا آن را نگهداری کنند.

و ماهیگیران جلیلی معمولاً از دهقانان وضعیت بهتری داشتند. اغلب وقتی خدا مردم را فرا می‌خواند، همیشه این کار را نمی‌کند، اما اغلب از تجربیات گذشته ما استفاده می‌کند. موسی و داوود چوپان بودند.

خب، او آنها را چوپانان اسرائیل می‌کند. این مردم صیاد ماهی بودند. او آنها را صیاد انسان‌ها می‌کند.

او اغلب می‌تواند مهارت‌هایی را که قبلاً به روش‌های دیگر به ما داده شده است، بگیرد و از آنها برای پادشاهی خود و همچنین به ما انواع دیگری از هدایا استفاده کند. حتی وقتی من یک ملحد بودم، عاشق مطالعه چیزهای یونان باستان و چیزهای رومی بودم. من مورخان رومی، کلاسیک‌های یونانی، فیلسوفان یونانی و غیره را می‌خواندم.

و وقتی مسیحی شدم، با خودم گفتم، اوه نه، حالا فقط می‌خواهم کتاب مقدس را بخوانم. اما چیزی که فهمیدم این بود که، اوه، بعضی از این‌ها واقعاً به من کمک کردند تا برای کارم به عنوان یک محقق پیش‌زمینه‌ای پیدا کنم، نه به اندازه منابع یهودی، که هیچ آموزشی در مورد آنها نداشتم، اما پیش‌زمینه زیادی به من داد. در واقع، یک نکته وجود داشت، من یک مسیحی بسیار جدید بودم و قرار بود باشم، سال دوم لاتین بودم و قرار بود جنگ گالیک سزار را ترجمه کنم.

سزار یک حاکم رومی بود، نه خیلی طولانی، خیلی زود کشته شد، اما می‌خواست حاکم روم باشد. و او به عنوان یک ژنرال رومی کتابی به نام جنگ گالی نوشت. قرار بود من آن را ترجمه کنم.

و در راه خانه، داشتم فکر می‌کردم، می‌دانی، نمی‌خواهم لاتین صحبت کنم. نمی‌خواهم قیصر را ترجمه کنم. فقط می‌خواهم الان کتاب مقدس را بخوانم چون همه چیز را رها کرده‌ام تا از عیسی پیروی کنم.

کتاب مقدس را باز کردم و انگشتم را در آن فرو بردم. این روش تفسیر خوبی نیست، اما در این مورد این کار را کردم. انگشتم را در آن فرو بردم، به این امید که بگوید، همه چیز را رها کن و از من پیروی کن.

در عوض، این فصل ۲۰ انجیل لوقا بود. در آن آمده است، آنچه از قیصر است به قیصر و آنچه از خداست به خدا بدهید. خب، این معنای کلی آن متن نیست.

من نمی‌توانم به همه بگویم که باید قیصر را ترجمه کنید، اما خدا در مورد من از آن استفاده کرد. و من تکالیفم را انجام دادم. اما به هر حال، خدا اغلب چیزهایی را که ریشه در گذشته ما دارند، از ما می‌گیرد.

ما باید همه چیز را وقف او کنیم، اما گاهی اوقات او از آن هدایایی که به ما داده است، اغلب به روش‌هایی که انتظار نداریم، استفاده می‌کند. ممکن است مجبور شویم از آنها دست بکشیم تا از او پیروی کنیم، اما گاهی اوقات او به هر حال از آنها استفاده می‌کند. و سپس برخی از چیزهایی را که باید نگه داریم، از دست می‌دهیم و دیگر آنها را پس نمی‌گیریم.

اشکالی نداره. اون میدونه چی بهتره. اون قابل اعتماده.

عیسی آنها را به پیروی فرا می‌خواند. باز هم، تنها رادیکال‌ترین معلمان باستانی شاگردان را به پیروی از خود و به ویژه ترک منابع خود برای پیروی فرا می‌خواندند. رها کردن مشاغل خانوادگی معمولاً توهین‌آمیز خواهد بود. و نه فقط برای خانواده شما، بلکه برای کل جامعه نیز توهین‌آمیز خواهد بود.

اما در اینجا روایت‌هایی از شاگردی ریشه‌دار داریم. عیسی فراخوانده شد، فراخوانده شدن او در حضور پدر، متی فصل سوم، آیات ۱۶ و ۱۷. عیسی پسر خداست.

مأموریت او به عنوان مأموریت یک بنده و همچنین یک پادشاه مطرح شده است. و اکنون عیسی شاگردان را به پیروی از خود فرا می‌خواند. و آنها در این مورد، و در بسیاری از موارد، شاید معمولاً، به حرکت نزولی فراخوانده می‌شوند.

صنعتگران، ماهیگیران، مأموران مالیات، نخبگان نبودند، اما آنها بسیار بهتر از دهقانان معمولی، نسبت به کشاورزان در حومه جلیل، بودند. بنابراین، مشاغل خانوادگی نیز، مانند تعاونی‌های ماهیگیری، و مارک اشاره می‌کند که یکی از خانواده‌ها خدمتکارانی را استخدام کرده بود. همچنین، به نظر می‌رسید که این دو خانواده با هم در ماهیگیری کار می‌کردند.

بنابراین، این فقط ماهیگیری نبودند که برای امرار معاش، تورهای خود را پهن می‌کردند تا ماهی برای خوردن پیدا کنند. اینها افرادی بودند که ماهی می‌فروختند. و معمولاً در اطراف دریاچه جلیل، اگر می‌توانستید تور بخرید و هزینه تعمیر و تمیز کردن تورهایتان را پردازید، می‌توانستید از این طریق درآمد نسبتاً خوبی کسب کنید.

اما آنها حاضر بودند معیشت خود را رها کنند. اگرچه این ممکن است در هر فصل سال نباشد، زیرا فصول خاصی وجود داشت که در طول فصل بارندگی واقعاً نمی‌توانستید زیاد در جلیل سفر کنید. اما در سایر فصول سال، آنها از عیسی پیروی می‌کردند.

بنابراین، آنها مجبور بودند بیشتر سال از معیشت خود دست بکشند. و عیسی ارزش این را دارد. درست همانطور که او در فصل ۱۳، آیات ۴۴ تا ۴۶ به ما می‌گوید، ارزش بی‌نظیر پادشاهی خدا از هر چیز دیگری ارزشمندتر است.

عیسی مسیح ارزش هر کاری را که ما برای پیروی از او انجام می‌دهیم دارد، زیرا ما تا ابد با او زندگی خواهیم کرد. اکنون آنها وقتی از عیسی پیروی می‌کنند کاملاً بی‌خانمان نمی‌شوند. متی فصل چهارم به ما می‌گوید که عیسی در کفرناحوم ساکن شد.

بنابراین، عیسی جایی برای ماندن داشت، هرچند می‌گوید جایی برای گذاشتن سرش ندارد. این اغراق است. این یک اغراق بلاغی است.

اما هنوز این پیام را می‌فرستد که ما باید حاضر به فداکاری باشیم. سفرهای فصلی. از دسامبر تا مارس فصل بارندگی در این منطقه بود.

به مدت ۳۰ تا ۵۰ روز باران می‌بارید. واقعاً نمی‌توانستید زیاد سفر کنید. کشاورزان در خارج از فصل کاشت و برداشت آزادتر بودند.

اما شاگردان لزوماً همیشه در سفر نبودند. و این به معنای طرد کامل خانواده‌شان هم نبود. بیشتر چیزهایی که در یهودیه بود، ببخشید، بیشتر چیزهایی که در جلیل بود، در فاصله یک یا دو روز پیاده‌روی قرار داشت.

بنابراین، یا اگر آنها با قایق بروند، می‌دانید، لزوماً همیشه از خانواده‌هایشان دور نیستند. اما، می‌دانید، گاهی اوقات این می‌تواند فداکاری برای خدمت نیز باشد، اما کاملاً ضروری نیست. بعداً، پولس در اول قرن‌تین ۹، در مورد اینکه چگونه پطرس همسرش را با خود می‌برد و سایر شاگردان همسرانشان را با خود می‌برند، صحبت می‌کند.

مثلاً پولس و برنابا، خب، ما زن نداریم، اما بقیه‌ی شاگردان، این کار را می‌کنند. بنابراین اغلب می‌توانستند با آنها سفر کنند. شاید بچه‌ها بزرگ شده بودند، صرف نظر از شرایط.

اما آنها مشاغل خانوادگی خود را پشت سر می‌گذارند، اما ما نباید آن را اشتباه برداشت کنیم. زیرا عیسی همچنین در متی فصل ۱۵ می‌گوید که شما باید به پدر و مادر خود احترام بگذارید. او همچنین در فصل ۱۹ آیه ۹ می‌گوید که شما باید به ازدواج خود وفادار باشید، نه اینکه ازدواج خود را ترک کنید.

بنابراین، او در مورد طرد خانواده صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد اولویت‌ها صحبت می‌کند. عیسی بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد. خاخام‌ها، بعداً، دو مکتب خاخامی در نسل عیسی، فریسیان در نسل عیسی، باید بگویم، مکاتب شمای و طلال بودند.

و آنها با یکدیگر بحث کردند که یک شوهر چه مدت اجازه دارد از همسرش دور باشد. و اگر او بیشتر از این مدت دور باشد، آنها گفتند که زن می‌تواند طلاق بگیرد. او پیش خاخام‌ها می‌رود و آنها می‌توانند، من این را پیشنهاد نمی‌کنم، اما فقط می‌گویم که فریسیان زمان عیسی می‌گفتند که شوهر فقط تا مدتی اجازه دارد دور باشد.

و آنها بحث کردند که آیا یک هفته یا دو هفته طول بکشد، زیرا مسئولیت زناشویی را بسیار جدی می‌گرفتند. اما گفتند که به خاطر تورات، ممکن است لازم باشد بیشتر طول بکشد. یک خاخام به نام خاخام آکیبا بود که بعداً در موردش صحبت کردند.

و من معتقدم که این داستان واقعی نیست، اما نشان می‌دهد که آنها با رفتن به نزد یک معلم، برای مطالعه تورات استثنا قائل شدند. اینکه او هفت سال طولانی از همسرش دور بوده است. و سپس پس از هفت سال به خانه برمی‌گردد و به در خانه می‌رسد و صحبت همسرش را با همسایه می‌شنود.

و همسایه می‌گوید، راشل، چطور می‌توانی هنوز این مرد را دوست داشته باشی، بعد از اینکه هفت سال از تو دور بوده است؟ او گفت که این به خاطر تورات است. اگر او هفت سال دیگر از من دور باشد، من هنوز او را دوست خواهم داشت. در نتیجه، آکیبا بدون اینکه وارد خانه شود، البته، برگشت و هفت سال دیگر تحصیل کرد و با هزاران شاگرد که او را دنبال می‌کردند، بازگشت.

و حالا دوباره، این یک داستان واقعی نیست، اما این نکته را نشان می‌دهد که آنها خانواده را بسیار جدی می‌گرفتند، اما آنها مطالعه تورات را نیز بسیار جدی می‌گرفتند. عیسی مسیح مقدم بر همه چیز است، اما این به آن معنا نیست که از خانواده خود مراقبت نکنید. عیسی مسیح نیز از ما می‌خواهد که این کار را انجام دهیم.

او می‌خواهد که ما هم خانواده‌مان را دوست داشته باشیم. اما گاهی اوقات وقتی آنها در تضاد هستند، ما باید انتخاب کنیم و عیسی همیشه در اولویت قرار دارد. عیسی سلطنت خدا را با قدرت نشان می‌دهد.

فصل چهارم، آیات ۲۳ تا ۲۵. شما خلاصه‌ای از موعظه عیسی بر فراز کوه، متی ۵ تا ۷ از خدمت عمومی عیسی دارید. ما خلاصه مشابهی از خدمت عمومی عیسی درست قبل از بخش بعدی گفتار، سخنرانی بعدی عیسی و موعظه بعدی در متی فصل ۱۰ داریم.

اینجا در متی، درست قبل از متی ۵ تا ۷، درباره شفا و تعلیم عیسی صحبت می‌شود. همین موضوع را در پایان متی ۹ و قبل از متی ۱۰ نیز می‌بینید. بنابراین، می‌گوید که او آنقدر مردم را شفا می‌داد که تمام بیماران استان رومی سوریه را نزد او می‌آوردند.

حالا، آیا این به معنای واقعی کلمه به معنای هر فرد بیمار است؟ احتمالاً این همان چیزی است که ما به آن اغراق می‌گوییم. معلمان یهودی و متی نیز اغلب از اغراق استفاده می‌کردند که یک اغراق بلاغی بود. این یک استعاره برای بیان یک نکته بود.

بنابراین، این به معنای واقعی کلمه به معنای تک تک افرادی که در جلیل بیمار بودند، نیست. منظورم این است که در غیر این صورت، در چند فصل اول کتاب اعمال رسولان کسی نبود که شفا یابد. اما در هر صورت، آنها بیماران زیادی را نزد عیسی می‌آوردند.

و او بیماران را شفا می‌داد. او در کنیسه‌ها خدمت می‌کرد، جایی که مردم بسیار پذیرای معلمان محبوب و مفسران، به خصوص سخنرانان خوب، بودند، زیرا در کنیسه‌های جلیل، برای هر کنیسه یک کشیش نداشتند. بیشتر فریسیان در اورشلیم بودند.

آنها به اندازه کافی فریسی نداشتند که در همه کنیسه‌ها بگردند و تعلیم دهند، یا کاتبان، به خصوص کاتبان خیلی آگاه. بنابراین، عیسی در کنیسه‌ها تعلیم می‌دهد و بیماران را شفا می‌دهد. آیا عیسی می‌توانست جمعیت زیادی را جذب کند؟ خب، هر کسی که به شفا دادن شهرت داشت، می‌توانست جمعیت زیادی را جذب کند.

به این فکر کنید که چگونه در حمات طبریه و جاهای دیگر در دنیای باستان چشمه‌های آب گرم وجود داشته است. و حمات طبریه اگرچه در جلیله است. توده‌های مردم به این مکان‌ها هجوم می‌آوردند زیرا تصور می‌شد که چشمه‌های آب گرم دارای خواص پاک‌کنندگی هستند که آنها را سالم‌تر می‌کند.

بنابراین، جای تعجب نیست. عیسی به عنوان یک شفادهنده شهرت پیدا می‌کند. افراد زیادی می‌آیند و از او پیروی می‌کنند.

و آنها از مسافت‌های بسیار دوری می‌آیند. برخی از آنها از دوردست‌ها و جاهای دیگر در استان سوریه خارج از جلیل، می‌آیند. خب، این به پیشگویی از مأموریت غیریهودیی که در موردش صحبت کردیم، کمک می‌کند.

همچنین درباره ایمان فداکارانه صحبت می‌کند. یاد می‌آید یکی از شاگردانم وقتی در کنیا تدریس می‌کردم درباره خواهرش برایم تعریف می‌کرد که چطور خواهرش خودش را روی زمین می‌کشید. پاهایش کار نمی‌کردند.

آنها کاملاً از کار افتاده بودند. بنابراین، او فقط خودش را روی زمین می‌کشید. و مادرش خیلی دلش می‌خواست شفا پیدا کند.

و او شنیده بود که قرار است کسی در کلیسای برای بیماران دعا کند، اما کلیسا در آن سوی رودخانه خیلی دور بود. و او مجبور بود بچه را به تنهایی حمل کند چون پدرش گفته بود، نه، ما دعا کرده‌ایم. من فقط دلم شکسته است.

دیگر نمی‌توانم این کار را انجام دهم. و این نوع احساس را درک می‌کنم. این اتفاق قبلاً هم افتاده بود، قبل از اینکه هیچ بهبودی حاصل شود.

آنها دعا کرده بودند و هیچ بهبودی حاصل نشده بود. و گاهی اوقات این اتفاق می‌افتد. باز هم، شفاهای نشانه‌هایی از آینده موعود هستند.

این بدان معنا نیست که همه در این عصر همیشه شفا می‌یابند. و ممکن است برخی افراد از نظر الهیاتی فکر کنند که همه باید در این عصر شفا یابند. اما اگر از آنها پرسید، آیا همه کسانی که برای آنها دعا کرده‌اید شفا یافته‌اند؟ احتمالاً به شما خواهند گفت که همه کسانی که من برایشان دعا کرده‌ام شفا نیافته‌اند.

اما در هر صورت، هر توضیحی که بخواهیم بدهیم، این چیزی است که اغلب در این دنیا مجبوریم با آن دست و پنجه نرم کنیم، غم و اندوه و درد. اما در این مورد، مادر کودک را در پشت خود گذاشت و او را حمل کرد. او مجبور شد از رودخانه عبور کند.

این یک سفر بسیار بسیار دشوار و طاقت‌فرسا بود. و این بار کودک شفا یافت. و آن شخص، طلبه حوزه علمیه که این را به من می‌گفت، از این موضوع خبر داشت زیرا این خواهر کوچک او بود.

او شفا یافت. فوراً شفا نیافت، اما ظرف یک یا دو هفته، حالش خوب شد. می‌توانست راه برود.

و حالا او بزرگ شده. ازدواج کرده. دیگر هرگز آن عادت را تکرار نکرده است.

بنابراین گاهی اوقات اعمال فداکارانه ایمان، باز هم تضمینی نیست که خدا صرف نظر از هر کاری که انجام می‌دهد، شایسته ایمان ما باشد. اما این افراد ایمان خود را به روش‌های فداکارانه ابراز می‌کنند زیرا معتقدند که عیسی کسی بود که قدرت شفای آنها را داشت. اما این متن همچنین هشدار می‌دهد در مورد محبوبیت به ما می‌دهد، زیرا این متن بخشی از یک زمینه بزرگتر از انجیل متی است.

اگر فقط به این متن بسنده کنیم، ممکن است فکر کنیم که نکته‌ی اخلاقی داستان این است که شما به خدا خدمت می‌کنید، از آزمایش‌ها سربلند بیرون می‌آید، و خدا شما را مسح می‌کند، و همه شفا خواهند یافت. و جمعیت از شما پیروی خواهند کرد و شما را دوست خواهند داشت. اما به خاطر داشته باشید که در متی فصل ۲۷، جمعیت فریاد می‌زنند، او را مصلوب کنید، او را مصلوب کنید.

محبوبیت قابل اعتماد نیست. محبوبیت می‌آید و می‌رود. وقتی آن را داریم، از آن برای عیسی استفاده کنیم.

و وقتی آن را نداریم، اشکالی ندارد. ما برای جلال خدا زندگی می‌کنیم و نه برای جلال خودمان. حال، احتمالاً در فصل ۲۷، جمعیتی که فریاد می‌زنند، او را مصلوب می‌کنند، او را مصلوب می‌کنند، همان جمعیتی نیستند. که وقتی او وارد اورشلیم می‌شود، از او پیروی می‌کنند و به او درود می‌فرستند.

می‌دانید، تعداد زیادی از زائران جلیلی به عیسی سلام می‌کردند. آنها می‌دانستند عیسی کیست. جمعیت گریه می‌کنند و او را مصلوب می‌کنند.

ما داریم به آنچه رهبران‌شان در اورشلیم به آنها می‌گفتند گوش می‌دهیم. اما با وجود این تمایز تاریخی، هنوز هم پیوستگی روایت در جمعیت وجود دارد که به ما نشان می‌دهد محبوبیت همیشه وجود نخواهد داشت. این محبوبیت با داوود آمد و رفت.

با ما می‌آید و می‌رود. تا وقتی که آن را دارید از آن استفاده کنید. و به یاد داشته باشید، این عیسی است که ما برای تکریم او آمده‌ایم.

و متی بارها و بارها بر این نکته تأکید می‌کند. ما شاگرد هستیم و بنده از ارباب بزرگتر نیست. پس بیایید به او احترام بگذاریم.

من دکتر کریگ کینر هستم و در حال تدریس در مورد کتاب متی. این جلسه ششم در مورد متی ۳-۴ است.